

عدالت آموزشی

علی اصغر فانی

ابتدا دو واژه Equality و Equity را با هم مقایسه و مرور می‌کنیم.
1- Equity را انصاف ترجمه کرده‌اند، انصاف در آموزش و پرورش یعنی اینکه به هر دانش‌آموز آموزش متناسب با نیازش محتوای آموزشی دهیم. مثلاً دانش‌آموزی که در منطقه روستایی زندگی می‌کند، نیازهایی دارد که دانش‌آموز شهری لزوماً تمامی آن نیازها را ندارد. البته هر دو این دانش‌آموزان نیازهای مشترکی هم دارند. بدیهی است در صورت پذیرفتن این رویکرد، برنامه درسی واحد و تالیف کتاب مشترک برای همه دانش‌آموزان- وضعیتی که امروز ما در کشور داریم- امر مغفولی به نظر نمی‌رسد.

2- Equality که آن را تساوی ترجمه کرده‌اند و معنای آن این است که کلیه دانش‌آموزان سراسر کشور در پایه و رشته مشترک، محتوای یکسانی را می‌گذرانند.

در علوم تربیتی هر دو واژه عدالت آموزشی نامیده می‌شوند. رویکرد اول سخت‌تر و پرهزینه‌تر از رویکرد دوم است در عوض، فارغ‌التحصیلان آن اثربخشی بالاتری دارند.

در ایران تاکنون به رویکرد اول ورود پیدا نکرده‌ایم. آنچه به آن پرداخته‌ایم رویکرد دوم است. عدالت آموزشی در رویکرد دوم خود به عدالت کمی و عدالت کیفی تقسیم می‌شود.

الف- در عدالت کمی سعی بر این بوه است در هر دوره تحصیلی اعم از پسر و دختر، ابتدایی و متوسطه، شهری و روستایی و عشایری حداکثر جذب دانش‌آموز را داشته باشیم و کودک و نوجوانی نباشد که به سن تحصیل رسیده باشد و به مدرسه نرود. یکی از شاخصهای ارزشیابی آموزش و پرورش هر کشور درصد تحت پوشش دانش‌آموزان می‌باشد. سیاست دایمی و همیشگی دولت‌های بعد از انقلاب، افزایش درصد تحت پوشش دانش‌آموزان در همه دوره‌ها، دختر و پسر و... بوده است.

در حال حاضر درصد تحت پوشش ابتدایی 5/98 درصد، متوسطه اول 94 درصد و متوسطه دوم 87 درصد است.

بعد از پیروزی انقلاب تلاش بر این بود که با توسعه مدارس متوسطه اول و دوم، به طرق زیر:

1- مدارس متوسطه روستا مردمی؛ که چون تعداد دانش‌آموزان به حد نصاب

تشکیل دبیرستان نمی‌رسد مدارس متوسطه با کمک مردم به صورت ضمیمه مدرسه ابتدایی یا مستقل یا معین نوعاً غیرمخصص توسعه می‌یابد.

2- مدارس متوسطه روستا مرکزی: در روستاهایی که مرکزیت دارد، دبیرستان (دوره اول و دوم) تشکیل شده و دانش‌آموزان با استفاده از دوچرخه، موتور، تراکتور و مینی‌بوس روزانه رفت و آمد کرده و در دبیرستان روستای مرکزی تحصیل می‌کنند.

3- مدارس شبانه‌روزی: که مخصوص مناطقی است که به دلیل کوهستانی بودن منطقه، یا پراکندگی روستاها امکان رفت و آمد دانش‌آموزان وجود ندارد و بچه‌ها در خوابگاه اسکان یافته و تغذیه می‌شوند. در این صورت تحت پوشش متوسطه افزایش یابد.

ب - عدالت کیفی، در کنار توسعه کمی مدارس بخصوص در دوره متوسطه به دلیل غیرمرتبط بودن رشته تحصیلی معلمان و درسی که تدریس می‌کنند، یا ضمیمه بودن دبیرستان به مدرسه ابتدایی، کیفیت آموزشی بسیار پایین بوده و این امر باعث افت کیفیت در مدارس شده است. باید اعتراف کرد که جمهوری اسلامی در عدالت کیفی کارنامه موفق نداشته است.

تنوع مدارس و توسعه بی‌رویه مدارس خاص تیزهوشان، هیات امنایی، نمونه مردمی، غیردولتی این شکاف کیفیتی را ایجاد کرده است. متأسفانه از طریق برگزاری آزمون‌های ورودی مدارس تیزهوشان، نمونه، بعضی از غیردولتی‌ها، شاهد دانش‌آموزان مستعد از مدارس دولتی جدا شده، معلمان توانمند، فضاهای آموزشی مناسب‌تر و مدیران توانا از مدارس عادی دولتی جدا شده و به مدارس خاص کوچ می‌کنند. آنچه برای مدارس دولتی می‌ماند دانش‌آموزان سرخورده و کم‌انگیزه، معلمان بی‌انگیزه و فضاهای آموزشی فرسوده است. به نظر می‌رسد کاهش تنوع مدارس و افزایش سهم بودجه آموزش و پرورش از بودجه عمومی کشور می‌تواند در درازمدت باعث رشد عدالت کیفی مدارس دولتی باشد.

منبع: روزنامه اعتماد 15 مرداد 1402 خورشیدی